

هُوَ الْأَبِي الْأَبِي - ای دوستان

حضرت رحمن، در این احیان...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



هُوَ الْأَبِي الْأَبِي

ای دوستان حضرت رحمن، در این احیان در روزنامه‌های اخبار متوارد و متواتر که ژاپونرا با چینیان جنگ و ستیز است و از این گیر و دار در خاور زمین رسم رستخیز، لشکر و سپاهست که جوق جوق چون سیل میاهست. میدان رزمست که جولانگاه جنود پر عزمست. آتش جنگ است که شعله توپ و تفنگ است. نیران حروست که نائره بحیم کروپست. سفائن اژدر مثالست که در هجوم و جدال است. بنیاد حصونست که بر باد و مدفونست. قلاع متین است که مساوی قعر زمین است. افواج چون امواجست که در دریای هلاک غرق و نابود از مرگ بی‌علاج. اجسام کشتگانست که در خاک و خون غلطانست. نهر دماء است که جاری و پر جریانست بنیان انسانست که مهدوم و ویرانست. اطفال صغیر است که یتیم و اسیر است. پیران سانخورده است که آلوده بخون و آزرده است. گروه بیوه زنانست که سرگشته و سرگردانست. قراء معموره است که خراب و مطموره است. مدائن عظیمست که معرض ریج صرصر عقیم است. قصور است که خرابه قبور است اقلیمی بکلی خراب و دمار شد و کشوری نابود و بی‌آثار گشت. مملکتی زیر و زبر شد و ملتی بی‌پا و سر گشت. ثمره و نتیجه جمیع این زلازل و طوفان که بر بنیان انسان وارد آنکه ژاپون غالب گشت و چینی خائب و این عبارت از وهمی چون سراب بیابان و عکسی چون صور مرسمه در آب روان. چه که این گونه ظفر بی‌پا و بی‌بنیان.



ORIGINAL



AUDIO

و چون بدقت نظر و حدت بصر ملاحظه نمائی فتوح و ظفر بر دو قسمست. یکی فتوحات روحانیّه که در اقلیم قلوب واقع و با لشکر نجات مهاجم و چون جنود حقائق و معانی هجوم آرد و سپاه نفس و هوی و شیاطین غفلت و عمی طرد و رجوم گردد، مدائن دلها فتح شود و قلاع قلوب مسخر گردد.

و دیگری فتوحات جسمانیّه است، که اقلیم و کشور محو و نابود گردد و جمعیت بشر معدوم و مفقود شود. آباد ویران گردد زندگان اموات شود. عدل و داد مبدل بظلم و عدوان گردد و راحت و آسایش زائل و جهان آفرینش متزلزل و خائب شود. تفاوت میان این دو فتح و ظفر اینست که فتوحات روحانیّه چون استیلاء آفتابست که خاور و باختر را بتیغ شعاع فتح و آفاق و کشور را بحرارت فیض مسخر میفرماید و فتوحات جسمانیّه چون احاطه ظلّ و تسخیر ظلامست که محیط شرق و غرب و مستولی بر ایامست و همچنین ظفر لشکر روحپرور چون استیلاء ارواح بر اجسام است و تسخیر اجسام چون ظفر و نصرت موت بر اجساد و ابدان. آن حیات جاودان بخشد و این موت بی پایان آن طراوت و لطافت عنایت کند و این جمودت و بطلت آن فیض بی پایان مبدول دارد و این تعب بیکران.

پس ای احبّای الهی از خدا بخواهید که غضنفر میدان قلوب باشید و صفدر صفوف کروب. سالار سپاه معانی باشید و سردار لشکر حقائق رحمانی. شهسوار مضمار علوم باشید و هرّبران حدائق و غیاض حیّ قیوم. اینست فضل عظیم و لطف ربّ کریم که نمونه و انک لعلی خالق عظیمست. از عنایات و مواهب جمال قدم امیدواریم که دوستان حقیقی باین موهبت عظمی موفق و مؤید گردند و البهآء علیکم و علی کلّ من فتح مدائن القلوب بجنود نفحات الله ع

